

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**شاهدین عادل**

۹

**عدالت صحابه**

۱۵ اسفند ۱۳۸۶

۲۶ صفر المظفر ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾<sup>(۱)</sup>.

شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر [صلی الله علیه و آله و سلم] هم بر شما گواه باشد.

### صحابه، شاهدین عادل؛

در جلسه گذشته چهارمین آیه‌ای را که اهل سنت برای اثبات عدالت جمیع صحابه به آن استناد می‌کنند، نقد و بررسی کردیم. تا کنون به این نتیجه دست یافتیم که هیچ یک از آیات مورد نظر، مدعی آنان را تأیید نمی‌کند. پنجمین آیه‌ای که اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند آیه ۱۴۳ سوره بقره می‌باشد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۳.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ .

شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم بر شما گواه باشد.

نظریه پردازان عدالت صحابه، این گونه به این آیه استدلال می‌کنند که، خطاب «جعلناکم» (شما را قرار دادیم) مختص شنوندگان و کسانی که در مجلس خطاب حضور دارند می‌باشد؛ به عبارت دیگر، این خطاب مشافهی است و کسانی که این سخن را بی واسطه و از لبان متکلم می‌شنوند در دایره حکم قرار دارند و روشن است که شنوندگان پیام وحی، تنها صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند. از طرف دیگر خداوند متعال به صحابه می‌فرماید: ما شما را به عنوان شاهد و گواه بر همه مردم قرار دادیم و همانطور که می‌دانیم یکی از شرایط مهم پذیرش شهادت عدالت می‌باشد و شهادت فاسق و کافر پذیرفتنی نیست. در نتیجه چون خداوند متعال مخاطبین (صحابه) را به عنوان شاهد بر تمام مردم برگزیده است و یکی از شرایط شهادت عدالت است، پس صحابه عادل هستند. نظریه پردازان عدالت صحابه، پس از استدلال فوق، شیعیان را نیز مورد نوازش قرار می‌دهند و قائل می‌شوند که شیعیان کافر هستند؛ زیرا عدالت صحابه را قبول ندارند!

### نقد استدلال اهل سنت؛

برای بررسی صحت و سقم ادعای اهل سنت باید به چند نکته توجه

### الف: بررسی جعل و اقسام آن؛

جعل در لغت به معنای قرار دادن است<sup>(۱)</sup> و دارای دو نوع می‌باشد؛ الف: جعل تکوینی؛ ب: جعل تشریحی .

الف: جعل تکوینی به معنای ایجاد و احداث شیء در عالم خارج می‌باشد. به عنوان مثال معماری که با مصالح ساختمانی، خانه‌ای را بسازد، در حقیقت خانه را جعل کرده است؛ یعنی آن را احداث و ایجاد کرده است. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که از این معنای از جعل استفاده کرده است.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةَ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن **قرار دادیم** \* پس نطفه را به صورت علقه و علقه را به صورت مضغه و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوردیم، و براستخوانها گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.

در این آیه خداوند متعال منشأ جعل و آفرینش انسان را از نطفه می‌داند و سپس

۱- مفردات غریب القرآن صفحه ۹۴.

۲- سوره مؤمنون، آیات ۱۴-۱۳.

سیر تکاملی خلقت او را بیان می‌کند.

در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ﴾<sup>(۱)</sup>.

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن جاری ساختیم.

ب: جعل تشریحی به معنای قانون گذاری می‌باشد.

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که جعل به معنای جعل تشریحی به کار

رفته است.

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم و از مقام ابراهیم [عَلَيْهِ السَّلَام] عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.

در آیه فوق جعل در معنای تشریحی آن به کار رفته است و این معنا را افاده می‌کند که خداوند متعال خانه کعبه را محلی امن قرار داد؛ به عبارت دیگر خداوند متعال حکم فرمود (قانون گذاری) که خانه کعبه محلی امن باشد و مسلمانان در آن جا عبادت و طواف کنند. در آیه‌ای دیگر آمده است؛

۱- سوره یس، آیه ۳۴.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُضْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا﴾<sup>(۱)</sup>.

و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیّش سلطه (حقّ قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکند چرا که او مورد حمایت است. در این آیه نیز خداوند متعال برای اولیای دم حق قصاص جعل (وضع قانون) کرده است.

حال که با دو معنای جعل و کاربرد آن در قرآن کریم آشنا شدیم، باید به این پرسش پاسخ داد که در آیه مورد نظر، «جعلناکم» دارای چه معنایی می‌باشد؟ به عبارت واضح‌تر باید پاسخ این پرسش را بیابیم که منظور از جعل در آیه شریفه، جعل تکوینی است یا تشریحی؟

اگر منظور جعل تشریحی باشد تفسیر آیه چنین می‌شود: خداوند متعال به صحابه به طور خاص و به همه مسلمانان به طور عام دستور داده است که شاهد و گواه بر مردم باشند. و مقام شهادت حکم و قانونی است که از ناحیه حضرت حق سبحانه و تعالی وضع شده است.

در این صورت آیه هیچ برتری و فضیلتی را برای مسلمانان و صحابه در پی نخواهد داشت؛ چرا که حکم، قانون و دستور خداوند متعال مبنی بر شاهد و گواه بودن صحابه، هیچ تفاوتی با دستورات دیگر الهی چون وجوب نماز، روزه و جهاد ندارد. صرف جعل دستورات و قوانین الهی و توجه آن به عده‌ای موجب فضیلت و

۱- سوره اسراء، آیه ۳۳.

برتری آنان نمی‌گردد. لذا فقط در صورت گردن نهادن و اطاعت از اوامر الهی، فضیلت اطاعت شامل حال افراد می‌گردد.

در این مورد نیز - چه صحابه مخاطب باشند و چه تمام مسلمانان - در صورتی فضیلتی برای آنان در پی خواهد داشت که نخست معتدل و میانه رو باشند و سپس شاهد و گواه بر مردم.

اما اگر در آیه مورد استشهاد، جعل به معنای تکوینی آن به کار رفته باشد، معنا چنین می‌شود: ما شما (صحابه یا تمام مسلمانان) را عادل و شاهد آفریدیم. در صورتی که جعل تکوینی منظور باشد، مخاطبین آیه از برتری و فضیلت برخوردار خواهند بود. به عنوان نمونه در قرآن کریم آیاتی وجود دارد، که در آن تصریح شده است که خداوند متعال عده‌ای را پیامبر و امام آفرید این گونه خلقت به دلیل صلاحیت و ویژگی خاصی بود که آنان از آن بهره‌مند بودند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می‌کردند.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱- سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲- سوره سجده، آیه ۲۴.



و از آنان امامان و پیشوایانی **قرار دادیم** که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند.

اگر جعل به معنای تکوینی باشد؛ یعنی خداوند متعال همه صحابه را عادل آفریده است. از طرف دیگر می‌دانیم که جعل و اراده خداوند متعال تخلف‌ناپذیر است. حال آنکه در مقام تحقق خارجی بسیاری از صحابه، فاسق، منافق و دروغگو بودند و انبانی از ردائل اخلاقی را به دوش می‌کشیدند. برای حل این تناقض آشکار دو راه در پیش رو داریم؛ یا قائل شویم که خداوند متعال عاجز است و جعل او تخلف‌پذیر است؛ یا اینکه بگوییم در این آیه جعل تکوینی منظور نیست بلکه معنای تشریحی جعل مراد است. عقل سلیم راه دوم را انتخاب می‌کند و این هم روشن گردید که جعل تشریحی، برتری و فضیلتی را برای صحابه اثبات نخواهد کرد.

### ب: مخاطبین آیه؛

نکته دیگری که نیاز به بررسی و تأمل دارد این است که خطاب آیه، متوجه چه کسانی می‌باشد؟ آیا مخاطبین آیه تنها کسانی هستند که هنگام نزول آیه نزد رسول الله ﷺ حاضر بودند، یا همه مسلمانان، مخاطب آیه هستند؟ برخی از علمای اهل سنت می‌گویند:

« إِنَّ الْمَقْصُودَ بِهَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ » .

منظور [از این آیه] امت حضرت محمد ﷺ می‌باشد.

در این قسمت نیز نظریهٔ پردازان عدالت صحابه، تنها دو راه پیش رو دارند؛ یا همهٔ مسلمانان - چه در زمان نزول آیه حضور داشته باشند یا نه - را مخاطب آیه بدانند. در این صورت فضیلتی برای صحابه ثابت نخواهد شد؛ یا فقط صحابه را مخاطب آیه بدانند، در این صورت باید بر معتبرترین کتاب خود قلم بطلان بکشند و صریحاً نادانی بخاری را اعلام کنند.

### ج: گواهی بر تمام مردمان؛

سومین نکته‌ای که باید به آن دقت کرد این است که مراد از شاهد و شهید در آیه چیست؟ خداوند متعال می‌فرماید: ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهد بر مردم باشید. واژهٔ «الناس» (مردم) با الف و لام استغراق آمده است و شامل همهٔ مردم از بدو آفرینش تا قیام قیامت می‌گردد. آیا صحابه، شاهد و گواه همهٔ مردم هستند؟ آنان چگونه می‌توانند شاهد گذشتگان و آیندگانی باشند که هرگز آنها را ندیده‌اند؟ آنان تنها می‌توانند در مورد حاضرین زمان خود شهادت دهند. شاهد فقط می‌تواند به آنچه که دیده و یا شنیده است شهادت دهد؛ به عبارت دیگر شاهد به آنچه که علم دارد شهادت می‌دهد. از نظر شریعت مقدّس، شهادت بدون علم قبیح و مذموم است و می‌دانیم که صحابه به گذشته و آینده علم نداشتند. حال چگونه می‌خواهند بر آن دو دوران نیز شهادت بدهند؟!

بنابراین قطعاً مخاطبین این آیه صحابه نمی‌باشند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید ما شما را امت وسط قرار دادیم تا شاهد عموم مردم باشید، چه آنانی که اکنون در قید حیات هستند و چه گذشتگان و چه کسانی که در سالها و قرنهای

بعدی پا به عرصهٔ حیات می‌گذارند. صحابه چگونه شاهد، ناظر و تماشاگری هستند که بسیاری از صحنه‌ها در دامنهٔ نگاه آنان قرار ندارد؟ آنان چگونه می‌خواهند نسبت به آینده و گذشته شهادت بدهند؟

حاصل سخن اینکه چون صحابه نمی‌توانند بر عموم مردم در همهٔ زمانها شهادت بدهند روشن می‌گردد که مخاطب آیه صحابه رسول الله ﷺ نمی‌باشند؛ در نتیجه استدلال بر عدالت آنان متزلزل می‌گردد.

### تفسیر آیه، بر هبنای شیعه؛

با توجه به مطالبی که تاکنون بیان کردیم می‌توان آیهٔ مورد استشهاد را دو گونه تفسیر کرد؛

۱ - معنای وسیع امت را در نظر بگیریم و قائل شویم که خداوند متعال تمام مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و همهٔ مسلمانان از صدر اسلام تا آخرین نفر، شهید و گواه بر همهٔ مردم هستند؛ یعنی خداوند متعال در روز قیامت تمام مسلمانان را به عنوان شاهد، در برابر تمام امتهای گذشته قرار می‌دهد و آنان را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا به دستورات پیامبران ﷺ خود عمل نکردید؟ اگر امتهای پیشین در پاسخ بگویند اوامر پیامبرانشان ﷺ سخت و صعب بود، خداوند متعال مسلمانان را به عنوان شاهدهی معرفی می‌کند که به تمام اوامر رسول الله ﷺ عمل می‌کردند و این آغاز مشکل اهل سنت در طریق استدلال به این آیه است؛ زیرا روشن است که همهٔ مسلمانان مطیع اوامر رسول الله ﷺ

نبودند. هر چند اکثریت تابع بودند. اما به احتمال قویتر این آیه شامل حال مسلمانانی است که عصر ظهور حضرت ولی الله الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) را درک می‌کنند.

۲- واژه امت را به معنای جماعت محدود و خاص بدانیم؛ در این صورت این آیه شامل حال ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌گردد. و تفسیر آیه این گونه می‌شود که خداوند متعال ائمه اطهار علیهم‌السلام را خلق کرد تا الگو، شاهد، شهید و ناظر همه خلقت از ابتدا تا پایان آفرینش باشند.

آری! ائمه اطهار علیهم‌السلام شاهد و ناظر تمام آفرینش هستند. در این باره روایات فراوانی وجود دارد. به عنوان نمونه امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«ثم خلق محمداً وعلياً وفاطمة فمكتوا ألف ألف دهر ثم خلق جميع الأشياء وأشهدهم خلقها»<sup>(۱)</sup>.

[خداوند متعال] سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام را آفرید و یک میلیون دهر در نزد خداوند بودند، سپس اشیاء دیگر را آفرید و آنان را شاهد بر خلقت موجودات قرار داد.

برای تفسیر دوّم مؤید قوی و محکمی در ادامه آیه وجود دارد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر شما نیز گواه است، و این خود شاهدی است که شیعیان و پیروان راستین اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر دوّم را اختیار کنند. بنابراین، منظور از جعل، جعل تکوینی است و مخاطبین آیه و شاهدین،

۱- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۵.

حضرات معصومین علیهم السلام می باشند.

حال روی سخن ما با علمای اهل سنت است. تا چه زمانی می خواهید به تحریف (معنوی و نه لفظی) قرآن کریم ادامه دهید؟ و از این کار چه هدفی را تعقیب می کنید؟ تحریف معنوی قرآن از مخاطرات جدی است که همیشه تاریخ، سلامت قرآن و مفاهیم و معانی آن را در معرض خطر قرار می دهد و در هر عصری ادامه داشته و دارد. تحجر، خشک سری و بد فهمی قرآن کریم از مصایب روزگار ما است.

### پاسخ به شبهه‌ای جدید؛

اگر در گذشته ائمه اطهار علیهم السلام آماج شبهات خناسان قرار می گرفتند، امروزه متأسفانه علیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حمله و تهاجم صورت می گیرد. سخنی که اکنون آن را بازگو می کنم سخن یک ملحد یا یک یهودی نیست؛ نظر یک مسیحی و یا یک سنی متعصب نمی باشد بلکه کلام یک شیعه ایرانی است که داعیه دار طرفداری از مردم و روشنفکری است. جناب آقای دکتر سروش هر از چندی افاضه فیضی می کنند. فیوضات جدید ایشان راجع به شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مسأله وحی می باشد و چون این ایام مصادف با رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، مناسب دانستم، پاسخی کوتاه به شبهات ایشان بدهم.

دکتر سروش در آخرین اظهار نظر خود می گوید: وحی و الهام یکی است و

آن همان تجربه‌ای است که شاعران و عارفان دارند، هر چند پیامبران در سطح بالاتری تجربه می‌کنند. در روزگار مدرن، ما وحی را با استفاده از استعاره شعری می‌فهمیم<sup>(۱)</sup>.

لازمه پذیرش سخن فوق از بین رفتن وحی، قرآن، نبوت و اسلام است. به دکتر سروش به عنوان یک برادر مسلمان می‌گوییم: اگر وحی و الهام یکی باشند باید بین شاعر، عارف و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفاوتی وجود نداشته باشد و هر سه در یک سطح و ردیف قرار بگیرند؛ در نتیجه باید پذیرفت که پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز مانند عارفان و شاعران خطا و اشتباه می‌کنند. لازمه این سخن خروج پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام از دایره عصمت و حصار مصونیت می‌باشد. آیا اگر سیر نبوت را با شعر و شاعری و عرفان از یک مقوله بدانیم، هر از چندی شاعری یا عارفی ادعای نبوت نمی‌کند؟

### داستانی از ابن سینا؛

بهمینار، شاگرد خاص و ویژه ابو علی سینا، هر از چند گاهی به استاد خود می‌گفت: با این هوش، ذکاوت و نبوغی که دارید ادعای نبوت کنید و گروهی را به گرد خود جمع کنید. بو علی پاسخ شاگرد خود را به زمانهای آینده حواله می‌کرد تا زمان مناسب فرار رسید. شبی سرد و زمستانی ابن سینا از شاگرد خود تقاضای مقداری آب خنک برای آشامیدن نمود. شاگرد برای شانه خالی کردن از دستور استاد از طریق خواندن کتاب قانون سعی داشت زینهای نوشیدن آب سرد در

۱- نگاه کنید به تار نمای: [www.dr.soroush.com](http://www.dr.soroush.com).

زمستان را بیان کند. در همین زمان صدای نیایش پیش از نماز صبح از مناره مسجد به گوش رسید. بو علی رو به شاگرد کرد و گفت: تو جای گرم و نرم خود را برای آوردن یک لیوان آب سرد برای من ترک نمی‌گویی، اما این مسلمان یک ساعت پیش از نماز صبح به بالاترین و سردترین نقطه مناره رفته است، تا شهادت به رسالت شخصی بدهد که قرن‌ها از فوت او گذشته است.

اگر وحی و الهام یکی باشند و پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عداد شاعران و عارفان باشند، هر آن، شاعری و یا عارفی می‌تواند مدعی نبوت و الهام گردد و با این حساب باید فاتحه ختم نبوت را خواند.

### سجّاح و ادّعی نبوت؛

سجّاح زنی است که پس حیات شریف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادّعی نبوت کرد<sup>(۱)</sup>، برای اینکه به او بگویند نبوت خاتمه یافته آیه ذیل را برای او تلاوت کردند:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ  
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>(۲)</sup>.

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است، و خداوند به همه چیز آگاه است.

۱- اسد الغابة، جلد ۳ صفحه ۴۰۸.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۰.

سجّاح پس از شنیدن آیه فوق گفت: من خاتمة النبیین هستم، رسول  
الله ﷺ خاتم پیامبران مرد و من خاتم پیامبران زن هستم.

### وحی الفاظ و معانی قرآن کریم؛

این نکته مورد اتفاق نظر قرآن پژوهان شیعه و سنی است که الفاظ و معانی قرآن کریم از طرف خداوند متعال بر رسول الله ﷺ نازل شده است. اما اگر همانند آقای سروش وحی و الهام را یکی بدانیم، و وحی مضبوط و عین الفاظ خداوند متعال را انکار نماییم، دیگر قرآن تفاوتی با شعر و شاعری خیالبافانه نخواهد داشت. بر اساس مبنای فکری ایشان تمام آیات قرآن کریم از ابتدا تا انتها چیزی جز خیالبافی شاعرانه و عارفانه نخواهد بود. حدود هزار و چهارصد و چهل سال از بعثت رسول الله ﷺ گذشته است. در طول این قرون هزاران دانشمند، محقق و مدقق پا به عرصه حیات گذاشته‌اند که در زمینه‌های گوناگونی صاحب نظر و صاحب تألیف بوده‌اند، اما هیچ یک از آنان نگفتند که قرآن کریم محصول خیالبافی شاعرانه می‌باشد. از طرف دیگر در طول سالیان متمادی، مادّیین نسبت به اتقان وحی و انسجام کلمات خداوند و نظام‌مندی و صحّت و دقّت آن خاموش مانده‌اند و به رغم تلاشهای زیادی که به خرج دادند، نتوانستند بر این اتقان و استحکام اعتراضی وارد کنند البتّه ممکن است نسبت به برخی از قوانین و احکام اعتراضی داشته باشند که این اعتراض نیز برخاسته از عدم درک قوانین و احکام الهی می‌باشد.



خداوند متعال در رابطه با قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ \* تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ \* أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

بدرستی که آن قرآن کریمی است \* که در کتاب محفوظی جای دارد \* و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند \* آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده \* آیا این سخن را، (این قرآن را) با اوصافی که گفته شد سست و کوچک می شمارید.

آن قرآن کریم در نزد خداوند است کتابی است محفوظ. اما این نکته برای بیماران و اذهان آلوده قابل فهم و درک نیست. گمان می کنم، آلودگی ذهنی، سروش و امثال ایشان را به انحراف و اعوجاج فکری کشانده است. تمام الفاظ و کلمات قرآن کریم عیناً از جانب خداوند متعال نازل شده است، به عبارت دیگر از باء بسم الله الرحمن الرحيم سوره حمد تا آخرین حرف قرآن کریم عیناً سخنان حضرت حق می باشد.

خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾<sup>(۲)</sup>.

ما آن را [قرآن] در شب قدر نازل کردیم.

منظور از فرود آمدن قرآن در این آیه، نزول الفاظ قرآن می باشد. لازم به

۱- سوره واقعه، آیات ۸۱-۷۷.

۲- سوره قدر، آیه ۱.

ذکر است که اخبار و انباء دو گونه می‌باشد؛ ۱- انباء لفظ؛ ۲- انباء معنا.

این سخن پذیرفتنی است که تمام سخنان رسول الله ﷺ عین وحی نمی‌باشد؛ زیرا از ما بین دو لب مبارک حضرت ﷺ فتوی، استنباط و احادیث قدسی هم خارج شده است حتی ایشان گاهی اوقات مطالب را از منبع وحی دریافت می‌کردند اما برای مردم با زبان و بیان خود القاء می‌کردند که به این نوع از فرمایشات پیامبر ﷺ «الهام» می‌گویند.

قرآن کریم، وحی مدوّن، معین و بدون کم و کاست الهی است. اگر این مطلب را انکار کنیم. و قرآن کریم را حاصل خیالبافی پیامبر ﷺ بدانیم، شعر شاعران خیال پرداز و اراجیف و لاطائلات آنان همسطح و هم ردیف قرآن کریم می‌گردد<sup>(۱)</sup>.

از آن روی که آقای دکتر سروش اسلام و تشیع خود را انکار نکرده است و مدّعی اسلام و تشیع و پیروی از رسالت و قرآن است پاسخ ایشان را با آیاتی از قرآن کریم ارائه می‌دهیم، و گرنه باید پاسخ ایشان را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کردیم.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿حَم \* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَإِنَّهُ

۱- روشن است که قصد جسارت به ساحت همه شاعران و ادیبان را نداریم. بسیاری از شاعران انسانهای منزّه و پاکیزه گوبودند و اشعاری سرشار از حکمت و معرفت می‌سرودند، روی سخن با کسانی است که بافته‌ها و یافته‌های ذهنی خود را به نام معرفت و حکمت معرفی می‌کنند و نشر می‌دهند.

فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ ﴿١﴾ .

حم \* سوگند به این کتاب روشنگر \* که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم ما همواره انذار کننده بوده ایم \* در آن شب هر امری بر اساس حکمت الهی تدبیر و جدا می گردد .

آقای سروش روزگاری مدعی فهم قرآن ، نهج البلاغه و صحیفه سجادیّه بود - و انصافاً نیز نمی توانیم بگوییم که آنها را نمی فهمید - اما آلودگی ذهنی نتیجه و عاقبتی جز انحراف در عقاید و افکار در پی ندارد .

خداوند سبحان در رابطه با سرانجام بد و سوء عاقبت می فرماید :

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾ ﴿٢﴾ .

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند .

همه ما باید از این وقایع و اتفاقات درس بیاموزیم . همه کسانی که مرتکب بدکاری ، زشتکاری و سیئات عملی بشوند ، در نهایت ، آیات الهی را تکذیب و مسخره می کنند .

در سالهای پیش از انقلاب دوست ایشان کتابی به نام کویر نوشته بود . در این کتاب نیز ، مؤلف ، نیاکان خود را تا سطح نبوت ارتقاء داد و در مقابل ، پیامبران

۱- سوره دخان ، آیات ۴- ۱ .

۲- سوره روم ، آیه ۱۰ .

و امامان علیهم السلام را تا سطح نیاکان خود تنزل داد. در آن زمان ما با عده‌ای از موافقین ایشان بحث علمی می‌کردیم، اما امروزه همان هوا داران به خاطر پست و مقام، صد و هشتاد درجه تغییر موقعیت و عقیده داده‌اند، چنانکه گویی هرگز مؤلف کتاب کویر را نمی‌شناختند و به او ارادت نمی‌ورزیدند.

### یادی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛

این ایام، مصادف است با رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امام حسن مجتبی و شهادت امام رضا علیهما السلام و شیعیان سوگوار و عزادار این انوار قدسیه هستند. مسلمانان صدر اسلام در این روزها، ساعات، دقایق و ثانیه‌های بسیار سنگینی را می‌گذراندند و سایه سنگینی بر جامعه اسلامی حکم فرما شده بود. نخستین شخصیت اسلام و آفرینش در آستانه ارتحال و قطع ارتباط مادی با عالم و افراد بشر بودند. در این لحظات هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متوجه توطئه توطئه‌گران شدند که می‌خواهند با اقامه نماز به جای ایشان برای خود اعتبار و منزلتی کسب کنند، با آن حالت بیماری و ناتوانی دستور دادند که زیر بغلشان را بگیرند و برای اقامه نماز به مسجد ببرند. ایشان در آن حالت از مردم حلالیت طلبیدند و فرمودند: هر کس برگردن من حقی دارد بیاید و حق خود را بگیرد. در این هنگام یکی از انصار به نام «سواده بن قیس» از جای برخاست و عرض کرد: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از سفرهایتان تازیانه‌ای که می‌خواستید به مرکبتان بزنید بر سینۀ من اصابت کرد و جای آن سرخ شد من می‌خواهم شما را قصاص

بکنم». پس از این سخن، مسلمانان در مسجد یکپارچه گریه و شیون کردند. تازیانه را آوردند آن انصاری عرض کرد: «من در آن هنگام برهنه بودم». پیامبر ﷺ پیراهن خود را بالا زدند. انصاری از این فرصت استفاده کرد و بدن مبارک رسول الله ﷺ را بوسید، در این هنگام گریه و ناله مسلمانان تبدیل به سرور و شادی شد<sup>(۱)</sup>.

همین مسلمانان که به رسول الله ﷺ عشق و ارادت می‌ورزیدند چند صبحی پس از رسول الله ﷺ به گونه‌ای دگرگون شدند که خانه دختر رسول الله ﷺ را آتش زدند و بسیاری از کسانی که در مسجد حضور داشتند و گریه می‌کردند، هیزم آوردند تا آتش را برافروخته‌تر کنند.

### مصائب فاطمه زهرا علیها السلام از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛

در کتاب فرائد السمطين که از منابع معتبر اهل سنت می‌باشد روایتی نقل شده است که در آن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مصایب دخترش فاطمه زهرا علیها السلام را بیان می‌کنند.

«وَأُمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ؛ فَانْهَآ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي وَهِيَ ثَمْرَةٌ فَوَادِي وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَهِيَ الْحَوَارِءُ الْأَنْسِيَّةُ مِنِّي؛

وَأُمَّا دَخْتَرَمَ فَاطِمَةَ، أَوْسَتْ بَزْرَگَ وَخَانِمَ زَنَانِ هَر دُو جِهَانِ اَز نَخْسْتِينَ

۱- مناقب، جلد ۱ صفحه ۱۶۴ و بحار الانوار، جلد ۲۲ صفحه ۵۰۹.

تا آخرین، او پاره تن من است و نور چشم من و میوه قلب من و روحی که در بر دارم است و او حورا و مونس من است.

قامت في محرابها بين يدي ربها جلّ جلاله، ظهر نورها لملائكة السماء كما يظهر نور الكواكب لأهل الأرض؛

[وقتی که] در محرابش در برابر پروردگار به عبادت بر می خیزد، بر فرشتگان آسمان نور افشانی می کند همچنان که ستارگان بر اهل زمین نور افشانی می کنند.

ويقول الله عزّوجلّ لملائكة «يا ملائكتي! انظروا إلى أمّتي فاطمة سيّدة إمائي قائمة بين يديّ ترتعد فرائضها من خيفتي وقد أقبلت بقلبها على عبادتي أشتهدكم إنّي قد آمنت شيعتها من النار؛

و خداوند متعال به فرشتگانش می گوید: ای فرشتگانم بنگرید به بنده من فاطمه، بهترین بنده من، در برابر من ایستاده و تمام بندبند بدنش از ترس من می لرزد و با تمام وجود (قلب) مرا عبادت می کند، شما را گواه می گیرم که پیروان او از آتش ایمن خواهند بود.

وإنّي لثمّ رأيتها ذكرت ما يصنع بها بعدي، كآني بها وقد دخل الذلّ بيتها وانتهكت حرمتها وغصبت حقّها ومنعت إرثها وكسر جنبها وأسقطت جنينها؛

و من هنگامی که او را دیدم یاد آوردم آنچه که پس از من با او می کنند، گو اینکه همراه با او هستم که ذلت داخل خانه او می شود و حریم او را

می‌درند و حقّ او را غصب می‌کنند و او را از دست یافتن به ارش محروم می‌کنند، پهلوی او را می‌شکنند و جنین او را سقط می‌کنند.

وهي تنادي يا محمداه! فلا تجاب و تستغيث فلا تستغاث فلا تزال بعدي محزونة مكروبة باكية تتذكر انقطاع الوحي عن بيتها مرة وتذكر فراقى أخرى؛

و او فریاد می‌زند و ام‌محمد! [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و پاسخی نمی‌شنود و فریاد رس می‌طلبد و نمی‌یابد و همچنان پس از من غمگین، افسرده و گریان خواهد بود، گاهی قطع شدن وحی از خانه خود را به یاد می‌آورد و گاهی فراق مرا به یاد می‌آورد.

و تستوحش إذا جثها الليل لفقد صوتي الذي كانت تستمع اليه إذا تهجدت بالقرآن ثم ترى نفسها ذليلة بعد أن كانت في أيام أبيها عزيزة؛

و هنگامی که شب فرا می‌رسد احساس ترس و وحشت می‌کند؛ زیرا صدایم را هنگام تلاوت قرآن نمی‌شنود، پس خود را خوار می‌بیند پس از آنکه در روزگار حیات پدر عزیز بود.

فعند ذلك يونسها الله تعالى ذكره بالملائكة فنادتها بما نادتها به مريم بنت عمران فتقول يا فاطمة! إن الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين، يا فاطمة! اقنتي لربك واسجدي واركعي مع الراكعين؛

آن هنگام خداوند او را با فرشتگان مأنوس می‌کند و آنان، آنگونه که مریم دختر عمران را مخاطب قرار دادند به فاطمه می‌گویند: به

درستی که خدا تو را برگزید و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان جهان برتری داده است، ای فاطمه! برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان، رکوع کن.

ثم بیّتی بها الوجع فتمرض فیبعث الله عزوجلّ إليها مریم بنت عمران تمرضها وتونسها فی علتها؛

آنگاه درد او آغاز می شود و بیمار می گردد و خداوند متعال مریم دختر عمران را نزد او می فرستد تا از او پرستاری کند و مونس او باشد در بیماری.

فتقول عند ذلك یا ربّ! إتی قد سئمت الحیاة و تیرمت بأهل الدنیا فألحقنی بأبی فیلحقها الله عزوجلّ بی فتكون أوّل من یلحقنی من أهل بیتی؛

آنگاه فاطمه می گوید: خداوندا! من از زندگی خسته شدم و از اهل دنیا دل زده، مرا به پدرم ملحق کن، سپس خداوند او را به من ملحق می کند و او نخستین فرد از اهل بیتم می باشد که به من ملحق می شود. فتقدّم علیّ محزونة مکروبة مغمومة مغصوبة مقتولة فأقول عند ذلك: اللهم العن من ظلمها و عاقب من غضبها و ذلّل من أذلّها و خلّد فی نارک من ضرب جنبها حتی ألتقت ولدها فتقول الملائكة عند ذلك آمین»<sup>(۱)</sup>.

۱- امالی شیخ صدوق رحمته الله، مجلس ۲۴، از منابع اهل سنت بنگرید به فراند السمطین، جلد ۲



به سوی من می‌آید در حالی که محزون، افسرده، غمگین، غصب شده و کشته شده می‌باشد، آن هنگام می‌گویم خداوندا! لعنت کن ستم‌کنندگان او را و کیفر کن غاصبان حَقّش را، و خوار گردان، خوار کنندگان او را، و در آتش جاودانه قرار ده کسی که به پهلوی او ضربه زد و موجب سقط فرزندش شد و سپس تمام فرشتگان آمین می‌گویند.

این روایت قابل توجّه علمای اهل سنت است که قتل فاطمه زهرا علیها السلام را انکار می‌کنند و می‌گویند: چگونه می‌شود که برخی از صحابه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را سلیلی بزنند و به قتل برسانند؟ آیا کسی چنین جرأتی داشت؟ آری، آنان به نصّ این روایت دست به چنین عمل شنیع و زشتی زدند.

به کسانی که این حوادث تلخ تاریخی را انکار می‌کنند می‌گوییم مگر شما دوستدار و طرفدار ضاربین و قاتلین حضرت صدیقۀ کبری علیها السلام هستید که می‌خواهید این رذائل اخلاقی را نفی کنید و دامن برخی را از این سیئات اخلاقی پاک کنید؟

شاید بالاترین مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله در همین روزها باشد که ایشان در بستر بیماری هستند. روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنچه بعد از ایشان برای

---

→ صفحه ۳۴. جالب آنکه مؤلف کتاب فراند السمطين علامه جوینی از منطقه جویین نزدیک به سبزوار می‌باشد، اهل این منطقه در زمان مؤلف همه اهل تسنن بودند با این وجود چنین روایتی نقل کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق می افتد با حضرت گفتگو می کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می کردند:

«أصبر يا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم» (۱).

ای رسول خدا صبر می کنم.

نمی دانیم پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم چه فرمودند؛ شاید به امیرالمؤمنین علیه السلام گفتند: علی جان حقت را غصب می کنی، هنوز جنازه من روی زمین است که علیه تو توطئه می کنی، خانهات را آتش می زنی، خانمت را پشت درب نیمه سوخته فشار می دهند، ریسمان به گردن تو می اندازند و به مسجد می برند. امیرالمؤمنین علیه السلام هر بار می فرمودند: «أصبر يا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم». اما شاید پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: یا علی مقابل چشمت همسرت را می زنی و شاید امیرالمؤمنین علیه السلام گفته باشند:

«كيف أصبر يا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم».

چگونه صبر کنم ای رسول خدا.

پروردگارا به فاطمه اطهر علیها السلام و به پدرش صلى الله عليه وآله وسلم، به فاطمه اطهر علیها السلام و به شوهرش علیه السلام، به فاطمه اطهر علیها السلام و به فرزندانش علیهم السلام قسمت می دهیم، نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام را بر ما و نسلهای آینده ما، مستدام بفرما.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب)، جلد ۳ صفحه ۲۱۶.

## خودآزمایی؛

- ① نظریه پردازان عدالت صحابه، چگونه از شهادت صحابه، عدالت آنان را ثابت می‌کنند؟
- ② جعل دارای چند معنا می‌باشد؟
- ③ آیا جعل تشریحی فضیلتی برای صحابه در پی خواهد داشت؟
- ④ منظور از شهادت در آیه ۱۴۳ سوره بقره چه شهادتی می‌باشد؟
- ⑤ استدلال اهل سنت را نقد کنید.
- ⑥ با توجه به دو معنای اُمت، آیه ۱۴۳ سوره بقره را بر طبق مبنای شیعه تفسیر کنید.
- ⑦ شبهه دکتر سروش در رابطه با وحی و الهام را نقد کنید.
- ⑧ با آیات قرآن کریم ثابت کنید که الفاظ و معانی قرآن، وحی می‌باشد.
- ⑨ خداوند سبحان سرانجام سوء عاقبت را چه می‌داند؟
- ⑩ چرا برخی، وقایع تلخ تاریخی صدر اسلام را انکار می‌کنند؟
- ⑪ بر اساس روایت اهل سنت پیامبر ﷺ در مورد کیفیت وفات حضرت زهرا علیها السلام چه فرمودند؟

حال روی سخن ما با علمای اهل سنت  
است. تا چه زمانی می‌خواهید به تحریف  
(معنوی و نه لفظی) قرآن کریم ادامه دهید؟ و از  
این کار چه هدفی را تعقیب می‌کنید؟ تحریف  
معنوی قرآن از مخاطرات جدی است که همیشه  
تاریخ، سلامت قرآن و مفاهیم و معانی آن را در  
معرض خطر قرار می‌دهد و در هر عصری ادامه  
داشته و دارد. تحجّر، خشک سری و بد فهمی  
قرآن کریم از مصایب روزگار ما است.

(صفحه ۱۳ از همین جزوه)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

